

اخبار نمایش

«نامه‌هایی از تهران»

از فرانسه تا ایران



پروژه تعاملی بین ایران و فرانسه بانام «نامه‌هایی از تهران» در ایران اجرا می‌شود. به گزارش ایلنا، «نامه‌هایی به تهران» بـسا هدایت ورونیک پتی، ندا شاهرخی و آرزو عالی از ۲۷ تیر به مدت یک هفته در سالن دربست‌روی صحنه خواهدرفت. بنابراین گزارش،نداشاهرخی دانش‌آموخته‌تئاتر از دانشگاه پاریس ۸ فرانسه در مقطع کارشناسی ارشد است. وی مدیر هنری موسسه‌بین‌المللی فانوس، مدرس و کارگردان تئاتر است که تاکنون فعالیت‌بین‌المللی فراوانی انجام داده‌است. آرزو عالی بازیگر، کارگردان و مدرس دانشگاه‌است، وی فارغ‌التحصیل از دانشگاه لندن، وی از سال ۹۲ به‌نوجوانان کار تئاتر آموزش داده‌است و اجراهای متعددی چون ملانصرالدین، دقت دوم، ادیپ، پای نئال و... را اجرا برده‌است. همچنین چندین پروژه‌بین‌المللی باهلستان، یونان و فرانسه در کارنامه کاری خود دارد. بازیگران این نمایش، هنرجویان مدرسه‌نوجوان فانوس هستند که به مدت ۹ ماه در این مدرسه آموزش دیده و در کشور فرانسه پروژه‌راهمراهی کر کنند.



نمایش «فرشته تاریخ» تا ۱۸ مرداد اجرا می‌شود



با توجه به استقبال تماشاگران، اجرای نمایش «فرشته تاریخ» به‌نویسندگی و کارگردانی «محمد رضایی‌راد» تا ۱۸ مرداد در سالن چهارسوی «مجموعه تئاتر شهر» ادامه خواهدداشت. به گزارش توسعه‌ایرانی به‌نقل از روابط‌عمومی نمایش،نمایش «فرشته تاریخ» تازه‌ترین اثر محمد رضایی‌راد -نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر- است که از ۲ تیرماه به‌حضور بازیگرانی چون میلاد رحیمی، باران کوثری، رضابهودی، میلاد شجره‌و... در «مجموعه تئاتر شهر» روی صحنه رفته است. اجرای این نمایش تنها تا ۱۸ مردادماه ادامه خواهدداشت و پس از این تاریخ، به‌دلیل برپایی «جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آئینی و سنتی» -که از ۱۹ مردادماه در مجموعه «تئاتر شهر» برگزار می‌شود- امکان تمدید و ادامه اجرای نمایش برای گروه وجود نخواهد داشت. قابل ذکر است که در حال حاضر، کلیه بلیت‌های این نمایش تا هفته اول مرداد، به‌فروش رفته و با توجه به استقبال تماشاگران، علاقه‌مندان به تماشای این نمایش می‌توانند از طریق سایت «تیکت» نسبت به «پیش خرید» بلیت این نمایش برای ۲ هفته پایانی اِجرا اِقام کنند.



پور آذری «شینون» را روی صحنه خواهد برد

نمایش «شینون» با تهیه‌کنندگی حمید پور آذری و کارگردانی حسین پوریانی به‌زودی به صحنه خواهدرفت. به گزارش توسعه‌ایرانی و به‌نقل از روابط عمومی نمایش «شینون»، این نمایش به تهیه‌کنندگی حمید پور آذری، نویسندگی سیلوش حیدری و طراحی و کارگردانی حسین پوریانی به‌زودی برای اجرای مجدد به صحنه خواهد رفت. نمایش «شینون» پیش از این توانسته بود در هجدهمین جشنواره تئاتر دانشگاهی عنوان‌بین نمایش برگزیده، کاندید بهترین کارگردانی کاندید بهترین متن، کاندید بهترین طراحی صحنه را به دست آورده و در خردادماه ۱۳۹۵ با اجراهای عمومی خود مورد توجه علاقه‌مندان تئاتر قرار گرفته بود. حسین پوریانی پیش از بانمایش «هار» توانسته بود در بیست و یکمین جشنواره تئاتر دانشگاهی عنوانی چون اثر برگزیده، تندیس بهترین کارگردانی و... را کسب نماید. اطلاعات تکمیلی در خصوص اجراهای عمومی نمایش «شینون» متعاقباً به اطلاع دوستداران تئاتر واصحاب رسانه خواهد رسید.

یکی از کلیدواژه‌های بیشتر

نمایش‌های امسال را باید

«خودکشی» بدانیم. این

خودکشی خواه فردی

و خواه دسته جمعی

باشد نشان از «تروما»

(رمان زخم) و عصبیت

جامعه‌است. طبقه متوسط

با مشکلات جدی اقتصادی

دست به گریبان است

دراماتیک پروبلماتیک» به پایان می‌رساند. با تمام این احوال باید اشاره کنیم نمایش «این یک کنفرانس از شکست ماست» به خوبی فضای زندگی روزمره معاصر ایرانی را بازنمایی می‌کند. این نمایش آن‌های تمام‌نما از رفتارهای فرهنگی و اقتصادی ماست. اگر پایان نمایش به شکل دیگری بود یا یک نمایشنامه ماندگار مواجه می‌شدیم. نمایش بازیگران هم دیدنی است. آنان به خوبی تغییر می‌کنند و به خوبی منحنی کاراکتر خود را بازنمایی می‌کنند.

اسلاوی ژژیک در مقاله‌ای با عنوان «درباره سینمای آندری تارکوفسکی: شیء مطلق فضای درون» می‌نویسد: «قهرمان داستان هنگام مواجهه با «گوی زرین»-اتاق رویاهای فیلم که میل‌ها و آرزوها در آن برآورده می‌شوند در رمان چنین نامید می‌شود- نوعی تحول روحی از سر می‌گذرانند، اما این تجربه بیشتر به تجربه‌ای نزدیک است که لکان «مسکنت ذهنی» می‌خواند، وقوف ناگهانی به بی‌معنایی فاحش پیوندهای اجتماعی ما، از بین رفتن تعلق خاطر ما به خود واقعیت، به یکباره، دیگر آدم‌ها غیر واقعی می‌شوند و خود واقعیت چونان گردایی از اشکال و اصواتی درهم و آشفته تجربه می‌شود، چندان که دیگر قادر نیستیم میل خود را چنان که می‌خواهیم بر زبان آوریم... در استاکر همچنان که در سولازیس، «حیرانی ایدئالیستی» تارکوفسکی این‌گونه جلوه می‌کند که او از سرشاخ شدن با این دگربودگی ریشه‌ای شیء مطلق بی‌معنا طفره می‌رود و به شیوه‌ای ایدئالیستی آن را در هاله‌ای از ابهام می‌پیچد و مرموز جلوه می‌دهد». نکته‌ای که لکان درباره مسکنت ذهنی بیان می‌کند در باب تئاتر معاصر ایرانی بسیار مهم است.

پدران نمایش هم هر کدام پسری دارند. این پسران از پدران خود ناراضی هستند. پدر اولی، بسیار شل و وارفته رفتار می‌کند. او با پسرش برخورد محکم نمی‌کند و علاقه‌ای به رفتار خشن ندارد. پدر دیگر هم مدام پند و اندرزهای مسخره و خنده‌داری مانند دیالوگ‌های آبکی سریال‌های تلویزیونی را بیان می‌کند. اما به یک باره ساختار نمایش به هم می‌خورد. پدران نمایش جای خود را با یکدیگر عوض می‌کنند. درست در این نقطه از نمایش که نقطه عطف مهمی است با تکرار و باز تولید مواجه می‌شویم. اما چه نوع باز تولیدی؟ در واقع، نویسنده نگاه اجتماعی و اندکی نانورالیستی خود را مطرح می‌کند. باز تولید نسلی گم‌گشته را شاهد هستیم. نسلی که از پدران خود ناراضی است. سپس نویسنده نشان می‌دهد که این پدران واقعی نبودند؛ بلکه نقش پدران را بازی می‌کردند. این دو پدر تبدیل به دو جوان خشن و عصبی می‌شوند. باز هم شاهد تکرار و باز تولید هستیم. اما چه نوع تکراری؟ بازیگران مدام یک مسیر معین را طی می‌کنند؛ گاهی داد می‌زنند و گاهی هم در گوش یکدیگر می‌زنند. آنان به شدت خشن و عریذه کش شده‌اند. به یک‌باره، پیرمردی که از ابتدای نمایش در حال چرت زدن بود خود را وارد بازی نمایش می‌کند. او فریاد می‌کشد و راز این جوانان را افشای می‌کند. پیمرد می‌گوید که این جوانان هر دفعه برای خودکشی دسته‌جمعی به ایستگاه قطار می‌آیند و هر بار هم منصرف می‌شوند. او به جوانان می‌گوید چرا هر بار دست به زد و خورد می‌زنید؟ چرا هر دفعه خشونت‌تان بیشتر می‌شود ولی جرات خودکشی ندارید؟ سپس لباس‌های چهار جوان را برای‌شان پرت می‌کند و می‌گوید دیگر از دست آنان خسته شده‌است. آنان باید اینجا را ترک کنند. تکرار و باز تولید باز هم ادامه پیدا می‌کند.

این چهار نفر از یکدیگر طلبکار می‌شوند و هر بار هم یکدیگر را دلیل اصلی مشکل معرفی می‌کنند و در نهایت بر خوردهای سخت و خشن بیشتری را برزور می‌دهند. در ادامه، پیرمرد روی ریل قطار می‌رود و مونولوگ بسیار متفاوتی را از زندگی روزمره بیان می‌کند. نمایش هم به اتمام می‌رسد. البته استفاده از مونولوگ در پایان نمایش آسان‌ترین راه ممکن است. ای کاش نویسنده از مونولوگ دوری می‌کرد و نمایش خود را با «وضعیت



تئاترهای فرمالیستی

به طور کلی روی زیبایی

ظاهری و عناصر بیرونی

نمایش تاکید دارد نولی

نمایش مهران مرادی

به شدت سیاسی عمل

می‌کند. او چهار جوان و

پیرمردی گوشه‌گیر را

نمایش می‌دهد که روابط

بسیار خشن و مریضی با

یکدیگر دارند

تکرار و باز تولید فرمالیستی

نمایش «این یک کنفرانس از شکست ماست» به خوبی موقعیت خود را با انبوهی از عناصری دراماتیک چون تعلیق، کشمکش و کنش می‌سازد. کارگردان به خوبی شخصیت‌های خود را (در هاله‌ای از ابهام) معرفی می‌کند. در ابتدای نمایش دو شخصیت را می‌بینیم که هر دو به عنوان «پدر» نامیده می‌شوند.



تن آسا به دنبال تن آسایی و فراغت افسار گسیخته است. با این تفاسیر، بخش بسیار بزرگی از اجراهای تئاتری، مختص به کارگردانی از طبقه تن آساشده است. این طبقه خالی از دغدغه‌ای روشن است. آنان هیچ انتقادی به وضع موجود ندارند. تنها ظاهر و شکل برای‌شان اهمیت دارد که با چاشنی تفریح گرہ خورده است. اگر به فضای اجتماعی و اندیشه انتقادی هم گام به نام «چچه پولدارهای تهران» مواجه می‌شوید که طرفداران فراوانی هم دارد.

آنان با ظاهری شکیل و گران قیمت و به قول خودشان «لاکچری»، مدام دست به نمایش ظاهر سطحی و سبک زندگی پوچ‌شان می‌زنند. برای بررسی بیشتر این وضعیت می‌توان به کتاب «جامعه نمایش» گی دوبور مراجعه کرد. نهایت امر اینکه نمایش «این یک کنفرانس از شکست ماست» یک استثنا در تئاتر معاصر ایران است. کیفیت کار بسیار بالاست و بازیگران، نمایش قابل قبولی دارند.

این روزها نمایش «این

یک کنفرانس از شکست

ماست» به نویسنده‌گی و

کارگردانی مهران مرادی

و ایفای نقش افرادی چون

پور یاشکیایی، امید

شوندی، آرش صفایی،

احمد رضا موسوی و اکبر

مشکانی در خانه هنرمندان

(سالن استاد انتظامی) روی

صحنه رفته‌است. نمایشی

که با شکل و شمایل

فرمالیستی توانسته‌است

یک اجرای قابل قبول را به

منصه ظهور برساند

نگاهی به آثار فرمالیستی به بهانه نمایش «این یک کنفرانس از شکست ماست»

گریز از بی‌معنایی فاحش

این روزها نمایش «این یک کنفرانس از شکست ماست» به نویسنده‌گی و کارگردانی مهران مرادی و ایفای نقش افرادی چون پور یاشکیایی، امید شوندی، آرش صفایی، احمد رضا موسوی و اکبر مشکاتی در خانه هنرمندان (سالن استاد انتظامی) روی صحنه رفته است. نمایشی که با شکل و شمایل فرمالیستی توانسته است یک اجرای قابل قبول را به منصه ظهور برساند.



سید حسین رسولی

امانوئل کانت در نقد قوه حکم می‌نویسد: «هنر زیبا نحوه تصویری است که فی‌نفسه غایتمند است و گرچه عاری از هر غایت [معینی] است، با این حال به پرورش قوای ذهنی برای ارتباط اجتماعی یاری می‌رساند». فلسفه‌های هنر به طور کلی به دو دسته سوپژکتیو و ابژکتیو تقسیم می‌شوند. تفکر سوپژکتیو در اندیشه افرادی مانند اسکار وایلد موج می‌زند. او می‌نویسد: «تنها موضوع جدی در جهان، هنر است. هنرمند هم تنها کسی است که جدی نیست». تثوفیل گوته در مقدمه اشعار خود درباره هنر چنین می‌نویسد: «فایده آن چیست؟ فقط زیبا بودن! آیا همین کافی نیست! مثل گل‌ها، مثل عطرها، مثل پرندگان، مثل همه چیزهایی که بشر نمی‌تواند به میل خود تغییر دهد و ضایع کند به طور کلی هر چیز وقتی که مفید شد دیگر نمی‌تواند زیبا باشد زیرا وارد زندگی روزمره می‌شود.» در واقع، نوعی ایدئالیسم و همچنین توجه به عناصری فراسوی زندگی مادی مد نظر است. ویکتور هوگو هم نویسنده‌ای است که نقدهای اجتماعی جدی را در آثار خود به زندگی روزمره فرانسوی وارد می‌کند. او جهان اشراف و فرودستان را در برابر هم قرار می‌دهد. را باینحال در کتابی به اسم «شرقیات» نوشت: «اشاعر همیشه حق دارد! اثر بیهوده‌ای را منتشر سازد که شعر محض باشد». هنر محض، زیبایی محض یا فرم مطلق، کلیدواژه آثار فرمالیستی است. آثار فرمالیستی معمولاً از مفاهیم اجتماعی و موضوعات مربوط به زندگی روزمره دور هستند. البته ساختار و فرم شکل‌گیری این آثار در حیات اجتماعی هم قابل بررسی است. هر